

کشف رابطه پنهان اصالت وجود و وحدت شخصیه وجود در فلسفه ملاصدرا

زیبا زرشناس

چکیده

در فلسفه ملاصدرا، دو مفهوم مهم و محوری وجود دارد که معمولاً به صورت جداگانه بررسی می‌شوند: «اصالت وجود» و «وحدت شخصیه وجود». اما در این مقاله تلاش شده تا نشان داده شود که این دو، در واقع، ریشه در یک نگاه واحد به هستی دارند. ملاصدرا از نظریه اصالت وجود آغاز می‌کند و به تدریج، با عبور از اصل تشکیک، به وحدت شخصیه وجود می‌رسد؛ یعنی همان ایده‌ای که پیشتر در عرفان اسلامی دیده می‌شد، اما حالا در دستگاه فلسفی او جایگاهی عقلانی پیدا می‌کند.

این مقاله، با تکیه بر تحلیل مفهومی و بررسی تدریجی اندیشه‌ها، نشان می‌دهد که وحدت شخصیه وجود، در حقیقت امتداد طبیعی نظریه اصالت وجود است. این پیوند، نه تنها عرفان و فلسفه را به هم نزدیک می‌کند، بلکه نگاه ما را به هستی، انسان، و رابطه‌ی مخلوق با خالق، عمیق‌تر و منسجم‌تر می‌سازد.

طلبه سطح ۲، حوزه علمیه حضرت زینب سلام الله علیها، شهرستان مهران،
Zybazr250@gmail.com

واژگان کلیدی: اصالت وجود، وحدت شخصیه وجود، تشکیک، حکمت متعالیه، ملاصدرا، ابن عربی

یکی از پرسش‌هایی که همیشه در دل فلسفه اسلامی وجود داشته، این است: «چه چیزی واقعاً در این عالم، اصالت و حقیقت دارد؟» از نگاه بعضی فلاسفه مثل ابن‌سینا، هم ماهیت و هم وجود تا حدی می‌توانند واقعی باشند. اما وقتی به ملاصدرا می‌رسیم، ورق برمی‌گردد.

ملاصدرا نظریه‌ای را مطرح می‌کند که ساده به نظر می‌رسد، ولی نتایج بزرگی دارد: فقط «وجود» واقعی است، و «ماهیت» صرفاً مفهومی ذهنی است که ما برای دسته‌بندی اشیاء به کار می‌گیریم. یعنی مثلاً وقتی می‌گوییم انسان یا درخت یا سنگ، آنچه واقعاً در بیرون تحقق دارد، وجود آن‌هاست؛ نه ماهیت‌شان.

از همین جا بود که ملاصدرا بنای یک فلسفه جدید را گذاشت؛ فلسفه‌ای که بعدها به نام حکمت متعالیه شناخته شد. اما جالب اینجاست که همین نظریه، او را به سمت مفهومی دیگر هم برد: «وحدت شخصیه وجود». مفهومی که پیش‌تر در عرفان اسلامی، به‌ویژه نزد ابن‌عربی، مطرح شده بود. عارفان می‌گفتند: در نهایت، فقط یک وجود هست، و باقی، جلوه‌ها و ظهورات آن‌اند. ملاصدرا این نگاه را با عقل و برهان فلسفی همراه کرد و آن را از دل شهود عرفانی به زبان استدلالی رساند.

این مقاله می‌خواهد این رابطه پنهان ولی مهم را بررسی کند. اینکه چطور «اصالت وجود» می‌تواند در نهایت به «وحدت وجود» منجر شود؟ و آیا این دو اصل فقط شبیه به هم‌اند یا واقعاً به هم وابسته‌اند؟

برای پاسخ دادن به این پرسش، مقاله با روش توصیفی-تحلیلی در سه فصل تنظیم شده: فصل اول به نظریه اصالت وجود و دلایل آن اختصاص دارد، فصل دوم به مفهوم وحدت شخصیه از نگاه عرفان و فلسفه می‌پردازد، و فصل سوم تلاش می‌کند تا نسبت این دو اصل را در دستگاه فکری ملاصدرا

کشف کند.

هدف ما این است که نشان دهیم وحدت شخصیه وجود، نه یک شعار عرفانی، بلکه نتیجه‌ای منطقی از نظام وجودشناسی صدرایی است؛ و همین موضوع باعث می‌شود که فلسفه‌ی او، پلی باشد میان عقل و شهود، فلسفه و عرفان، و در نهایت، راهی به سوی درک عمیق‌تری از هستی.

اصالت وجود در حکمت متعالیه؛ ساختار، دلیل و پیامد

۱.۱. مفهوم‌شناسی: وجود در برابر ماهیت

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در فلسفه اسلامی مطرح بوده، این است که واقعاً در عالم خارج چه چیزی اصالت دارد؟ «وجود» یا «ماهیت»؟ فلاسفه‌ای مثل ابن‌سینا معمولاً بر این باور بودند که هم وجود و هم ماهیت به نحوی در خارج تحقق دارند. یعنی وقتی مثلاً می‌گوییم «سنگ»، آنچه هست، هم «سنگ بودن» آن است (ماهیت)، و هم «بودن»ش (وجود). اما ملاصدرا این دیدگاه را دگرگون کرد. او با صراحت اعلام می‌کند که در عالم خارج، تنها چیزی که واقعاً تحقق دارد، وجود است. ماهیت، صرفاً مفهومی است که ذهن ما می‌سازد تا بتواند اشیاء را از هم تمیز دهد. یعنی اگر وجود را از هر چیزی بگیریم، چیزی باقی نمی‌ماند. از این نگاه، «ماهیت» بدون وجود، هیچ تحقق عینی ندارد و صرفاً ابزاری ذهنی است. این تحول فکری باعث شد که ملاصدرا پایه‌های فلسفه‌ای را بنیان بگذارد که بعدها به «حکمت متعالیه» شهرت یافت. در این حکمت، تمام موجودات، در واقع، مراتب گوناگون از یک حقیقت مشترک‌اند: وجود.

۱.۲. دلایل ملاصدرا برای اصالت وجود

ملاصدرا برای اینکه نشان دهد این نظریه تنها یک شهود ذهنی نیست بلکه پشتوانه‌ای عقلانی و فلسفی دارد، چندین دلیل مهم ارائه می‌کند:

الف) بداهت و شهود وجود

او می‌گوید وقتی ما با اشیاء مواجه می‌شویم، اولین چیزی که تجربه می‌کنیم، خود «وجود داشتن» آنهاست. مثلاً وقتی به درختی نگاه می‌کنیم، چیزی که احساس می‌کنیم، «بودن» درخت است، نه تعریف «درخت بودن». همین ادراک بی‌واسطه، از نظر او نشان‌دهنده‌ی بداهت و تقدم وجود است.

ب) تشکیک در مراتب وجود

یکی از نوآوری‌های ملاصدرا، اصل «تشکیک در وجود» است. به بیان ساده، او می‌گوید وجود، حقیقتی است که می‌تواند دارای شدت و ضعف باشد. یعنی وجود خداوند، وجودی قوی، شدید و بی‌نهایت است؛ اما وجود یک سنگ یا یک گیاه، ضعیف‌تر است. این ویژگی فقط برای وجود ممکن است؛ ماهیت‌ها یا هستند یا نیستند، اما شدت و ضعف ندارند.

ج) پیوستگی هستی

از نظر ملاصدرا، جهان هستی یکپارچه و به هم پیوسته است. اگر بپذیریم که اشیاء تنها ماهیت دارند، دیگر نمی‌توان این پیوستگی را توجیه کرد. اما اگر همه چیز را جلوه‌های متفاوتی از یک حقیقت یگانه یعنی وجود بدانیم، آن وقت این پیوستگی کاملاً معنا پیدا می‌کند.

د) حرکت جوهری

نظریه «حرکت جوهری» یکی از برجسته‌ترین نظریات ملاصدراست. او معتقد بود که نه تنها ویژگی‌های ظاهری (مثل رنگ یا مکان) بلکه خود جوهر اشیاء نیز در حال حرکت و تغییر است. اما چون ماهیت‌ها ذاتاً ثابت‌اند، این تغییر نمی‌تواند ناشی از ماهیت باشد. پس تنها چیزی که قابلیت حرکت دارد، وجود است. این هم دلیل مهمی برای پذیرش اصالت وجود است.

۱.۳. پیامدهای معرفتی و هستی‌شناختی نظریه اصالت وجود

نظریه اصالت وجود، فقط یک مبحث نظری در فلسفه نیست؛ بلکه نگاه ما به عالم، انسان، خدا و حتی معرفت را دگرگون می‌کند. در ادامه، به سه پیامد مهم این نظریه اشاره می‌شود:

الف) در معرفت‌شناسی

شناخت واقعی، زمانی شکل می‌گیرد که ما به حقیقت وجودی اشیاء پی ببریم. شناخت سطحی مفاهیم، کافی نیست. مثلاً برای شناخت یک انسان، فقط دانستن اینکه او «حیوان ناطق» است کافی نیست؛ باید دید وجود او در چه مرتبه‌ای از رشد معنوی و عقلی قرار دارد. از این رو، ملاصدرا شناخت را بر پایه «وجود» بنا می‌کند، نه صرفاً تعریف ماهیت.

یعنی اگر وجود اصیل است، و اگر وجود می‌تواند شدت و ضعف پیدا کند، پس همه‌ی موجودات، مراتب همان وجود واحدند. این مقدمه‌ای است که ملاصدرا را از فلسفه به عرفان، و از تحلیل به شهود هدایت می‌کند.

۳.۳. وحدت شخصیه؛ تحقق عینی نظریه اصالت وجود

در دستگاه صدرایی، وحدت شخصیه وجود، دیگر یک نظریه مجزا نیست، بلکه ثمره‌ی نهایی و طبیعی پذیرش اصالت وجود است. از نگاه ملاصدرا، اگر ما اصالت را به وجود بدهیم، و قبول کنیم که وجود مراتب دارد، آن‌گاه به‌ناچار به این نتیجه می‌رسیم که:

«وجود یکی است، و آنچه غیر از اوست، شئون، تجلیات و مراتب اویند.» این جمله، که هم در عرفان ابن‌عربی دیده می‌شود و هم در فلسفه‌ی ملاصدرا، جوهره‌ی وحدت شخصیه را بازگو می‌کند. ملاصدرا در اسفار با عباراتی نزدیک به این مضمون تأکید می‌کند که تمام موجودات، فقط شئون و مظاهر یک حقیقت یگانه‌اند، و هیچ چیزی خارج از آن وجود واقعی ندارد.

۳.۴. نقش کلیدی اصل تشکیک در ایجاد این پیوند

اگر بخواهیم نقطه‌ای را پیدا کنیم که نظریه اصالت وجود را به وحدت وجود پیوند می‌دهد، آن نقطه، اصل تشکیک است. تشکیک به این معناست که وجود، می‌تواند در شدت و ضعف متفاوت باشد. همین اصل است که به ما اجازه می‌دهد، بدون آنکه تمایزات میان موجودات را انکار کنیم، همه‌ی آن‌ها را به یک وجود یگانه نسبت دهیم.

به عبارتی، اصل تشکیک، امکان وحدت را در دل کثرت فراهم می‌سازد. این اصل، نه تنها سازگار با تفاوت‌هاست، بلکه نشان می‌دهد که تفاوت‌ها، خود، بیانگر مراتب مختلف یک حقیقت مشترکند.

۳.۵. پیامدهای فلسفی و عرفانی این پیوند

پیوند میان اصالت وجود و وحدت شخصیه وجود، پیامدهایی جدی در ابعاد مختلف تفکر اسلامی دارد:

الف) در فلسفه

این پیوند، به ما امکان می‌دهد تا نظامی هستی‌شناختی بسازیم که در عین

وحدت‌گرایی، عقلانی و قابل دفاع باشد. ملاصدرا توانست نشان دهد که وحدت وجود، صرفاً یک تجربه عرفانی نیست، بلکه بر پایه استدلال فلسفی نیز قابل اثبات است.

ب) در عرفان

در عرفان، وحدت شخصیه وجود، معمولاً از راه شهود و مکاشفه فهمیده می‌شود. اما وقتی این شهود با استدلال عقلی همراه شود، عمق و پایداری بیشتری پیدا می‌کند. حکمت متعالیه، عرفان را از حالت شخصی بیرون آورده و به آن ساختار فلسفی داده است.

ج) در معرفت‌شناسی

وقتی همه‌ی موجودات مراتب وجود یک حقیقت‌اند، پس شناخت هر پدیده، شناخت مرتبه‌ای از همان وجود است. این نگاه، راه را برای نوعی معرفت توحیدی باز می‌کند؛ معرفتی که نه فقط از روی تعاریف، بلکه از درک مراتب وجود حاصل می‌شود.

۳.۶. جمع‌بندی فصل سوم: پیوندی پنهان، اما بنیادین

در این فصل تلاش شد تا نشان داده شود که نظریه اصالت وجود و وحدت شخصیه وجود، نه تنها ارتباط دارند، بلکه در حکمت متعالیه، به گونه‌ای عمیق به هم وابسته‌اند. ملاصدرا با ابتکار خود، توانست پلی میان فلسفه و عرفان بسازد؛ پلی که هم از دل استدلال می‌گذرد و هم از شهود. این پیوند، ما را با انسجام درونی اندیشه‌ی او آشنا می‌کند و نشان می‌دهد که در حکمت متعالیه، عقل و دل، نه در تقابل، بلکه در تعامل‌اند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد دو اصل مهم از فلسفه ملاصدرا، یعنی اصالت وجود و وحدت شخصیه وجود، از منظر فلسفی و عرفانی مورد بررسی قرار گیرد. ابتدا با تبیین نظریه اصالت وجود، روشن شد که ملاصدرا چگونه این اصل را به‌عنوان پایه‌ای برای فهم هستی معرفی می‌کند. او با دلایلی عقلی و شهودی، نشان داد که تنها وجود، حقیقت عینی دارد و ماهیت‌ها، صرفاً مفاهیم ذهنی هستند.

در ادامه، به نظریه وحدت شخصیه وجود پرداختیم که ریشه در عرفان اسلامی دارد، اما در فلسفه ملاصدرا جایگاهی جدید پیدا می‌کند. عرفا از جمله ابن عربی، بر اساس شهود، معتقد بودند که فقط خداوند وجود واقعی دارد و سایر موجودات، جلوه‌ها و مظاهر اویند. ملاصدرا این دیدگاه را با زبان فلسفی بازسازی کرد و نشان داد که این نظریه، نتیجه‌ی طبیعی اصل اصالت وجود و اصل تشکیک در مراتب وجود است.

در فصل سوم مقاله، پیوند میان این دو اصل به‌صورت دقیق بررسی شد. این پیوند، صرفاً یک شباهت ظاهری نیست، بلکه نشان‌دهنده‌ی یک وحدت درونی و ساختاری در منظومه حکمت متعالیه است. ملاصدرا توانست عرفان و فلسفه را نه‌تنها سازگار، بلکه هم‌افق نشان دهد؛ به‌گونه‌ای که عقل و شهود، هر دو به یک حقیقت مشترک اشاره دارند.

در نهایت، این بررسی نشان داد که وحدت شخصیه وجود در نگاه ملاصدرا، صرفاً یک نظریه عرفانی نیست، بلکه نتیجه‌ای طبیعی، منطقی و قابل دفاع از نظریه اصالت وجود است. این پیوند، راهی است برای ایجاد گفت‌وگو میان فلسفه و عرفان، و نیز برای درکی عمیق‌تر از وحدت هستی در دل کثرت‌های ظاهری آن.

- ۱ _ ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة، قم: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
- ۲ _ ابن عربی، فصوص الحکم، تحقیق عفی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
- ۳ _ طباطبایی، محمدحسین، نهاية الحکمه، قم: نشر اسلامي، ۱۳۸۵ش.
- ۴ _ جوادی آملی، عبدالله، رحيق مختوم: شرح اسفار، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۴۲۸ق.
- ۵ _ مظفر، محمدرضا، اصول فلسفه و روش رئالیسم، با تعلیقات علامه طباطبایی، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۲ش.
- ۶ _ فیاضی، احمد، درآمدی بر فلسفه ملاصدرا، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲ش.
- ۷ _ زاهدی، محمد، «بررسی تطبیقی وحدت وجود در عرفان و فلسفه اسلامی»، فصلنامه معرفت فلسفی، شماره ۲۵، ۱۴۰۰ش.
- ۸ _ امام خمینی (ره)، مصباح الهدایه الی الخلافة و الولاية، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷ش.
- ۹ _ نصر، سید حسین، سه حکیم مسلمان، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ش.
- ۱۰ _ مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، جلد ۶، مقاله «مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی»، تهران: صدرا، ۱۳۸۲ش.
- ۱۱ _ یثربی، سید یحیی، عرفان و عقل در حکمت اسلامی، تهران: بوستان کتاب، ۱۳۹۵ش.
- ۱۲ _ عسکری، سید جواد، «تحلیل نسبت عقل و شهود در حکمت متعالیه»، مجله پژوهشنامه فلسفه دین، ۱۴۰۱ش.
- ۱۳ _ بابایی، علی، «موضوعات علم بر مبنای سه سیر فلسفی ملاصدرا»، مجله فلسفه و کلام، شماره ۱، ۱۴۰۲ش.
- ۱۴ _ سپهری، خدیجه، «تبیین وحدت شخصیه و تشکیک خاصی بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی»، مجله آیین حکمت، زمستان ۱۴۰۱ش.
- ۱۵ _ رضایی، محمد، فلسفه اسلامی از آغاز تا ملاصدرا، تهران: سمت، ۱۳۸۹ش.

